

پسر بچگی مطلوب در داستان‌های ماجراجویانه

دنیس باتز
مترجم: فرزانه سالمی



تصویر می‌کرد که جذابیت خاصی برای‌شان داشت.

مخاطب اصلی این نوع داستان‌های ماجراجویانه، پسر بچه‌ها بودند و البته کشش آن‌ها به سمت این داستان‌ها، در حالی شکل گرفته بود که انگلیس با نیروی دریایی سلطنتی، در آب‌های جهان به کشورگشایی و یافتن مستعمره‌های جدید مشغول بود. شاید همین عامل بود که باعث شد به تدریج ادبیات اروپا، به داستان‌های ماجراجویانه از سرزمین‌های ناشناخته، تمایل زیادی نشان دهد و به تبع آن، پسر بچه‌های خواننده این داستان‌ها نیز علاقه مشابهی پیدا کنند. این رویه علاوه بر قرن هجدهم، در قرن نوزدهم نیز ادامه یافت.

پسر بچه‌ها در قالب داستان‌های ماجراجویانه، وضعیت دلخواه خود را جست‌وجو می‌کردند و بخش عمده آن هم متأثر از هیجانی بود که در این داستان‌ها تجربه می‌کردند و به اقتضای سن، به شدت از آن لذت می‌بردند.

کاپیتان فریدریک ماریات (۱۸۴۸-۱۷۹۲)، نقش مهمی در جای گرفتن مقوله داستان‌های

در گذشته، داستان‌های ماجراجویانه‌ای مثل سفرهای گالیور یا رابین هود، خوانندگان زیادی حتی در میان نوجوانان داشتند، اما این داستان‌ها برای نوجوانان نوشته نشده بودند. کودکان و نوجوانان، خود را به جای قهرمانان این کتاب‌ها می‌گذاشتند و آرزوی داشتن زندگی هیجان‌انگیزی مانند آن‌ها را در سر می‌پروراندند. **دانیل دفو، سر والتراسکات و جیمز فنیمور گوپر** از جمله نویسندگانی بودند که داستان‌های ماجراجویانه‌شان جذابیت خاصی برای خوانندگان کودک و نوجوان داشت و به همین علت هم بود که نویسندگان جدیدی ظهور کردند که ماجراجویی‌های مشابه را در قالب کتاب‌های کودک و نوجوان به رشته تحریر درمی‌آوردند.

یکی از آن‌ها، زن نویسنده‌ای به نام **هافلند** بود که در سال ۱۸۳۰ میلادی، در رمانی با عنوان «پسر دزدیده شده» (۱)، سرگذشت پسر نوجوانی را به تصویر کشید که توسط سرخ‌پوشان تگزاسی اسیر شده بود. این کتاب، مکان‌ها و فضای ناشناخته‌ای را برای خوانندگان کودک و نوجوان

امان بمانند. جنگلبان پیر حتی شکار و کشاورزی را به عنوان راه‌های نجات و زنده ماندن این

ماجراجویانه در ادبیات کودک و نوجوان داشت. او که زمانی افسر نیروی دریایی بود، داستان‌های زیادی از دریانوردی و ماجراهای آن نوشته بود. با این حال، فرزندانش دائم از او می‌خواستند داستان بلند و هیجان‌انگیزی مشابه «خانواده سویسی رایینسون» (۲) بنویسد و **ماریات** نیز که از ارجاعات تاریخی نادرست این کتاب برآشفته بود، به خواسته آنان جامه عمل پوشاند.

وی در سال ۱۸۴۱ میلادی، داستانی به نام «کاپیتان آماده: بازمانده‌ای از اقیانوس آرام» (۳) نوشت و در آن، داستان خانواده‌ای را روایت کرد که دچار کشتی شکستگی شده‌اند، اما با گوش سپردن به نصایح یک دریانورد پیر، راه نجات را باز می‌یابند. موفقیت این کتاب باعث شد او نوشتن داستان‌های ماجراجویانه کودک و نوجوان را به طور جدی ادامه دهد.

در سال ۱۸۴۷ میلادی، **ماریات** بهترین اثرش، یعنی «کودکان نیوفارست» (۴) را منتشر کرد که راوی ماجراهای چهار کودک اهل بورلی هیلز، در دوران جنگ داخلی انگلیس است. این کودکان که یتیم هم شده‌اند، با کمک یک جنگلبان پیر موفق می‌شوند خود را در جنگل پنهان کنند و از حملات نیروهای شبه نظامی در جریان جنگ در



در اکثر داستان‌های پسرانه ماجراجویانه، موقعیت بحرانی یک قهرمان نوجوان تشریح می‌شود. مثلاً مرگ والدین یا ورشکستگی خانواده باعث می‌شود قهرمان داستان، خانه و کاشانه را ترک کند و به یک سفر طولانی و خطرناک پا بگذارد

سالانه بالغ بر ۱۵۰ هزار نسخه از کتاب‌هایش فروش می‌رفت.

مشخصه‌های ژانر داستان‌های ماجراجویانه مهم‌ترین مشخصه این ژانر، ترکیب وقایع غیرعادی و محتمل با یکدیگر است. اگر چنین داستانی باماجراهای دریانوردی هم ترکیب شده باشد، فوراً اعتماد خوانندگان کودک و نوجوانش را جلب می‌کند و هیجان زیادی در آن‌ها پدید می‌آورد.

مثلاً وقایعی که اچ. رایدِر هاگارد (۱۸۶۸ - ۱۹۰۰) در داستان جذابش با عنوان «گنج‌های کوه سلیمان» (۱۸۸۵ میلادی شرح می‌دهد، نوعی توهم از واقعیت برای خواننده نوجوان ایجاد می‌کند و البته حضور یک پسر نوجوان در قلب وقایع این داستان هم بسیار برای خوانندگان کودک و نوجوان جذابیت دارد.

در اکثر داستان‌های پسرانه ماجراجویانه، موقعیت بحرانی یک قهرمان نوجوان تشریح می‌شود. مثلاً مرگ والدین یا ورشکستگی خانواده باعث

کودکان، به آن‌ها آموزش می‌دهد. قصه‌گویی ماریات در این اثر بی‌نقص نیست، اما روایت تلاش این کودکان برای ادامه حیات، ارزش خاصی به این داستان بخشیده است. از سوی دیگر، «ادوارد بورلی» که در میان این کودکان، از همه بزرگ‌تر است، به تدریج خود را با وضع موجود وفق می‌دهد و به شکل قهرمانی مطلوب درمی‌آید که خوش عاقبت هم هست. به این ترتیب، پسر بچه‌های خواننده این کتاب، در عین لذت بردن از هیجان داستان، به تلاش شدید نوجوانان قهرمان کتاب هم توجه می‌کردند و تأثیر آن بر زندگی خود را نیز می‌پسندیدند.

در قرن ۱۸ میلادی، انگلیس به مناطق مختلف جهان - و به خصوص سرزمین‌های ناشناخته - توجه زیادی نشان می‌داد و همین باعث شد پسر بچه‌های انگلیسی نیز در علاقه پدران‌شان به این ناشناخته‌ها شریک شوند. آن‌ها آرزو داشتند پس از دوران کودکی، به این سرزمین‌های ناشناخته بروند و این علاقه به حدی بود که حتی کالجی نیز در «پوست وارد» «دوون» تأسیس شد که آموزش جوانان انگلیسی در مورد هندوستان را هدف اصلی خود قرار داده بود. به این ترتیب، فضایی فرهنگی ایجاد شد که در آن، مطالعه ماجراجویی‌های بچه‌های هم‌سن و سال در سرزمین‌های ناشناخته، یکی از علایق اصلی کودکان و نوجوانان شد.

دبلیو. اچ. جی. کینگزتون (۱۸۸۰ - ۱۹۱۸)، یکی از افرادی بود که شرح ماجراجویی پسران بسیاری را در دهه‌های آخر قرن ۱۹ میلادی به رشته تحریر درآورد. وی در جنگ‌های زیادی مثل کریمه شرکت داشت، اما پس از بیماری و دور شدنش از آن محیط، تمام وقت خود را به نگارش داستان‌های ماجراجویانه از آن دوره اختصاص داد و موفقیت زیادی هم به دست آورد؛ به طوری که

در قرن بیست و یکم، آن چه در داستان‌های ماجراجویانه جلب نظر می‌کند، شکسته شدن مرزهای نژادی و جنسیتی است. قهرمان داستان‌های ماجراجویانه این قرن؛ لزوما پسر نیست؛ لزوما سفیدپوست و تبعه کشورهای پیشرفته دنیا هم نیست. توجه به ارزش‌های انسانی در این داستان‌ها بیش‌تر است

مثلاً در داستان «آلن کویتزمین» (۷)، نوشته رایدن هاگارد، به سال ۱۸۸۶ میلادی، قهرمان داستان، یک رودخانه خطرناک را با موفقیت طی می‌کند و حتی دختری میسیونر را از چنگال آدم ربایان نجات می‌دهد.

قهرمان کوچک داستان‌های ماجراجویانه، معمولاً می‌تواند بر تمام مشکلات چیره شود و در پایان داستان به ثروت و افتخار دست یابد. این پایان‌بندی البته با «پایان خوش» متفاوت است؛ زیرا در طول داستان، نویسنده بر مشکلات و تلاش‌های قهرمان داستان تأکید زیادی دارد و در پایان نیز نشان می‌دهد که قهرمان داستان، چگونه می‌تواند به حقیقت در مورد خانواده‌اش برسد و هویت خود را پیدا کند. این دقیقاً همان اتفاقی است که در داستان‌های «در دریاهاى شرقی» (۸) نوشته کینگزتون و «رَبوده شده» (۹)، نوشته

می‌شود قهرمان داستان، خانه و کاشانه را ترک کند و به یک سفر طولانی و خطرناک پا بگذارد. او در این راه، با آدم‌ها و موقعیت‌های جدید آشنا و قادر به بهبود وضعیت خانواده نیز می‌شود. در بسیاری از این داستان‌ها، قهرمان یتیم می‌شود و با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کند و از مهلکه‌ها پیروز بیرون می‌آید.

فضای این داستان‌ها معمولاً غیرمعمول و عجیب نیز هست. مثلاً جزیره‌های ناشناخته، کوه‌های سر به فلک کشیده کانادا، بیابان‌های آفریقا یا جنگل‌های آمریکای جنوبی، محل وقوع داستان قرار می‌گیرد.

در همین حال، قهرمان این داستان‌ها معمولاً یک همراه با وفا هم در طول سفر دارد که رابطه‌شان، گاه به رابطه پدر و پسر شباهت پیدا می‌کند. جالب‌ترین نمونه آن را می‌توان در «کودکان نیوفارست» دید که ژاکوب آرمیتاژ - خدمتکار پیر - نقش آن همراه را به عهده می‌گیرد. حضور یک بومی آشنا به آداب و رسوم نیز که به قهرمان کمک می‌کند، می‌تواند مشخصه دیگری در این داستان‌ها باشد. از نمونه‌های آن می‌توان به شخصیت «ماکارورو» در داستان «شکارچیان گوریل» (۶)، نوشته بالانتین و منتشر شده در سال ۱۸۶۱ میلادی اشاره کرد.

معمولاً در داستان‌های ماجراجویانه، قهرمان داستان، استعداد خاصی هم دارد که در عبور از موانع سفر، به او کمک می‌کند. یادگیری سریع زبان بیگانه، سریع دویدن، نشانه‌گیری دقیق، زور بازوی حیرت‌آور و یا کشیدن نقشه‌های هوشمندانه از آن جمله است.

در داستان‌های ماجراجویانه، معمولاً قهرمان داستان از آغاز سفر با مشکلات و تهدیدهای گوناگونی مواجه می‌شود؛ مثل کشتی شکستگی، حمله آدم‌خواران و برخورد با افراد شرور.

جانز به خوانندگان نوجوان آثارش اهمیت زیادی می‌داد و می‌گفت: «با داستان‌هایم، پسران را به شکل یک مرد تربیت می‌کنم و پیروزی افتخار آمیز، کار جمعی، وفاداری و قدرت گرفتن را به آن‌ها آموزش می‌دهم»

(۱۸۹۴ - ۱۸۵۱) است و البته ردپای داستان‌ها و افسانه‌های سنتی و محلی نیز به وضوح در آثار او دیده می‌شود. در «جزیره گنج» (۱۸۸۳) (۱۰) و «بروده شده»، استیونسن قهرمانانی را به تصویر می‌کشد که در نوجوانی، پدران خود را از دست داده‌اند. در «جزیره گنج»، جیم - قهرمان داستان - به سفر می‌رود تا گنجی پنهان را پیدا کند و در «بروده شده» نیز دیوید - قهرمان داستان - خانه را ترک می‌گوید تا خویشان گم‌شده‌اش را بیابد. هر دو با کشتی سفر می‌کنند؛ به جزیره‌های دورافتاده می‌رسند و ظفرمند باز می‌گردند. استیونسن چنان این عناصر تکراری را با تخیل در می‌آمیزد که جذاب‌ترین حوادث در چارچوب داستان اتفاق می‌افتند.

در داستان‌های استیونسن هم یک شخصیت «همراه» وجود دارد که در کنار قهرمان داستان است و از او حمایت می‌کند. ارتباط جیم با «جان سیلور» در جزیره گنج و نیز ارتباط دیوید با «آلن برک استوارت» در «بروده شده»، در همین راستا قابل توجه است و ابهام‌های موجود در رفتارهای انسانی را به نمایش می‌گذارد. در جزیره گنج، «سیلور» رهبر راهن هاست و قاعدتا باید شخصیت شرور داستان باشد. در حالی که او حامی اصلی جیم است و ارتباط آن‌ها شکل پدر و پسر پیدا می‌کند. در «بروده شده» نیز دیوید ابتدا از آلن دل‌خوشی ندارد و دائم با او درگیر است، اما به تدریج ارزش حمایت‌های او را در می‌یابد. استیونسن در این داستان‌ها، به تناقض‌ها و پیچیدگی رفتارهای انسانی توجه دقیقی دارد و راه قضاوت جزئی در مورد آن‌ها را سد می‌کند. وی دائم ارزیابی اخلاقی خوانندگان نوجوانش را به چالش می‌کشد و نمی‌گذارد آن‌ها رأی قاطعی در مورد خوب یا بد بودن آدم‌ها صادر کنند. او این سؤال را در برابر خوانندگان

رابرت لویی استیونسن می‌افتد.

افسانه‌ها و داستان‌های محلی و قدیمی نیز نقش مهمی در داستان‌های ماجراجویانه بازی می‌کنند. جوزف کمپبل در کتاب «قهرمان هزار چهره»، چنین استدلال می‌کند که داستان‌های ماجراجویانه با ترکیب رئالیسم و عناصر غیرمعمول، سفر قهرمان و پایان خوش سفر، نقاط مشترک زیادی با افسانه‌های یونان و فرهنگ‌های قدیمی می‌یابد. وی حتی تأثیر روان‌شناختی این افسانه‌ها، بر خوانندگان کودک و نوجوان این داستان‌های ماجراجویانه را نیز ارزشمند می‌داند.

ساختار روایی آشنای داستان‌های ماجراجویانه و مطابقت آن‌ها با افسانه‌های قهرمانان گذشته، باعث می‌شود که خوانندگان کودک و نوجوان، هنگام مطالعه این ماجراها، احساس راحتی کنند؛ زیرا الگوهای آشنای قصه‌گویی و زیبایی‌شناختی را در برابر خود می‌بینند.

سرشناس‌ترین نویسنده داستان‌های ماجراجویانه در قرن نوزدهم میلادی، رابرت لویی استیونسن

در نزدیکی مزرعه پدرش، با ماجراهای مختلفی مواجه می‌شود. موفقیت این داستان نشان داد که «وقوع داستان در سرزمین‌های ناشناخته»، شرطی ضروری برای داستان ماجراجویانه نیست. تنها داستان **توماس هاردی** برای کودکان نیز «ماجراهای ما در وست پولی» (۲۱) نام دارد که داستان سفر چند نوجوان به یک غار در «مندیز» است. **هاردی** در این داستان، عنصر طنز را هم به ماجراجویی‌ها می‌افزاید.

«داستان یک پسر بد» (۳۱)، نوشته **تی.بی. آلدریچ** به سال ۱۸۶۸ میلادی نیز فضای طنزآلودی به این ژانر داد و راه را برای ظهور موفق‌ترین نمونه‌های داستان‌های ماجراجویانه، یعنی ماجراهای تام سایر و هاگلبری فین به قلم **مارک تواین** (۱۹۱۰ - ۱۸۵۳) هموار کرد. ماجراهای تام سایر که در سال ۱۸۷۶ میلادی منتشر شد، آغاز طنزآلودی داشت، اما قسمت اعظم جذابیت آن برای نوجوانان، به ماجراجویی‌های جدی تام و هاک، به ویژه هنگام مواجهه با یک قتل و کشف گنج برمی‌گردد.

داستان‌های ماجراجویانه در کشورهای مختلف جهان طرفدار داشتند. مثلاً در آلمان، نویسندگانی چون **یواخیم کمپ** و **کارل می**، داستان ماجراجویانه می‌نوشتند و در سوئیس نیز **رمان معروف جی.دی.ویس**، به نام «خانواده سویسی رایبسون» در سال ۱۸۱۲ میلادی منتشر شد. در فرانسه نیز **الکساندر دوما** (۱۸۷۰ - ۱۸۲۰) و **ژول ورن** (۱۹۵۰ - ۱۸۲۸)، داستان‌های ماجراجویانه را روایت می‌کردند و **لئوتولستوی** (۱۹۱۰ - ۱۸۲۸) هم داستان‌هایی از این دست برای کودکان نوشت که یکی از آنها با عنوان «اسیرشده در قفقاز» (۴۱)، به سال ۱۸۷۲ میلادی منتشر شد.

اما تحولات علمی و تکنولوژیکی بزرگ در قرن بیستم میلادی، تأثیر بزرگی بر داستان‌های ماجراجویانه داشت. ظهور موتورسیکلت، اتومبیل و هواپیما باعث شد داستان‌های ماجراجویانه نیز تحولات مدنی را تجربه کنند. وقوع جنگ جهانی اول و نقش هواپیما در آن، از جمله عواملی بود که عنصر پرواز و قهرمان خلبان را به ادبیات ماجراجویانه وارد کرد.

نوجوانش قرار می‌دهد که «اخلاق سرد و مقرراتی و اصولگرا بهتر است یا ماجراجویی‌های عجیب و غریب و محبت‌آمیز؟». **استیونسون** به این ترتیب نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای سنتی تربیت، نقایص خود را بروز می‌دهند و در مقابل، ماجراجویی به ابزار مناسبی برای رشد و تهذیب اخلاقی تبدیل می‌گردد.

اما تنها محل وقوع داستان‌های ماجراجویانه، سرزمین‌های ناشناخته نبود. **ریچارد جفریس** (۱۸۸۷ - ۱۸۴۸)، در کتابش با عنوان «بویس: داستان یک پسرک» (۱۱) به سال ۱۸۸۲ میلادی، ماجرای پسری را تعریف می‌کند که

تأثیر تحولات قرن بیستم

نوجوان را روایت می‌کرد که اجازه اقامت یک ماهه در پایگاه آمریکا در کره ماه را به دست می‌آورند.

اما امروز و در قرن بیست و یکم، آن چه در داستان‌های ماجراجویانه جلب نظر می‌کند، شکسته شدن مرزهای نژادی و جنسیتی است. قهرمان داستان‌های ماجراجویانه این قرن، لزوماً پسر نیست؛ لزوماً سفیدپوست و تبعه کشورهای پیشرفته دنیا هم نیست. توجه به ارزش‌های انسانی در این داستان‌ها بیش‌تر است و ظاهراً ژانر داستان‌های ماجراجویانه نیز همراه با زمان، پیش رفته است و تحولات زمانه را در خود منعکس می‌کند. مرزهای قدیم همگی شکسته شده‌اند.

* این نوشته، خلاصه‌ای است از مقاله «دنيس باتز»، با عنوان «شکل‌گیری پسر بچگی»، در دایره المعارف بین‌المللی ادبیات کودک راتلج.

پی‌نوشت:

1. The Stolen Boy
2. The Swiss Family Robinson
3. Masterman Ready : or; the Wreck of the Pacific
4. The Children of the New Forest
5. King solomns Mines
6. The Gorilla Hunters
7. Allan Quatermain
8. In the Eastern Seas
9. Kidnapped
10. The Treasure Island
11. Bevis: The Story of a Boy
12. Our Exploits at West Poley
13. The Story of a Bad Boy
14. A Captive in Caucasus
15. Moonwind

اما تحولات علمی و تکنولوژیکی بزرگ در قرن بیستم میلادی، تأثیر بزرگی بر داستان‌های ماجراجویانه داشت. ظهور موتورسیکلت، اتومبیل و هواپیما باعث شد داستان‌های ماجراجویانه نیز تحولات مدنی را تجربه کنند. وقوع جنگ جهانی اول و نقش هواپیما در آن، از جمله عواملی بود که عنصر پرواز و قهرمان خلبان را به ادبیات ماجراجویانه وارد کرد. در این داستان‌ها، یک قهرمان کم سن و سال، به طور اتفاقی مهارت‌های پرواز را می‌آموخت و در مواجهه با دشمن از آن استفاده می‌کرد. نویسنده معروف داستان‌های این چینی در قرن بیستم، **دبلیو.ای. جانز** (۱۹۶۸ - ۱۸۹۳) بود. وی که در نیروی هوایی سلطنتی انگلیس خدمت کرده بود، به تدریج داستان‌های ماجراجویانه‌ای به رشته تحریر درآورد که در آن‌ها مثلاً رد پای قاقاچقیان در جنگل‌های آمریکای جنوبی، توسط یک نوجوان خلبان پیدا می‌شد.

پرواز همواره یکی از روایه‌های دست نیافتنی پسر بچه‌ها بود و شاید به همین سبب بود که این داستان‌ها نیز طرفداران زیادی در میان نوجوانان پیدا کرد.

جانز به خوانندگان نوجوان آثارش اهمیت زیادی می‌داد و می‌گفت: «با داستان‌هایم، پسران را به شکل یک مرد تربیت می‌کنم و پیروزی، افتخارآمیز، کار جمعی، وفاداری و قدرت گرفتن را به آن‌ها آموزش می‌دهم». شاید به همین علت باشد که با گذشت چند دهه، هنوز هم آثار ماجراجویانه **جانز** خوانندگان زیادی دارد.

داستان‌های ماجراجویانه در اواخر قرن بیستم نیز شکل جدیدی پیدا کردند و ماجراجویی در فضا به تم اصلی آن‌ها تبدیل شد. مثلاً **لوییژ لارنسی**، در سال ۱۹۸۶ میلادی، کتابی منتشر کرد که «باد ماه» (۵۱) نام داشت و قصه دو